



بررسی تطبیقی نظریه جامعیت قرآن از دیدگاه سید قطب

پدیدآورده (ها) : سیاوشی، کریم

علوم قرآن و حدیث :: تحقیقات علوم قرآن و حدیث :: سال سوم، 1385 - شماره 6 (ISC)

از 7 تا 26

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/913998>

دانلود شده توسط : zahra mardani

تاریخ دانلود : 02/04/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوائین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

بررسی تطبیقی نظریه جامعیت قرآن از دیدگاه سید قطب

دکتر کرم سیاوشی

(استادیار دانشگاه بوعلی سینا)

چکیده: از مهم‌ترین پیش‌فهم‌های تفسیر قرآن، تبیین قلمرو معارف آن است؛ چه، نوع نگرش ما به این مسئله، نقش و دخالتی اساسی در نحوه تبیین پیام‌ها و رهنمودهای قرآن در پی خواهد داشت. مفسران قرون اخیر (۱۴ و ۱۵ هجری) به این امر توجه کرده و برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل شده و در صدد برآمده‌اند تا با تبیین موسع کارکرد دین و تعلیمات آسمانی، ابعاد بیش‌تری از نقش‌آفرینی و کارآمدی قرآن را در زندگی بشر بنمایانند. سید قطب از مفسران معاصر قرآن با اهتمام بسیار به موضوع جامعیت قرآن، آن را به‌سان یکی از اصول اساسی خویش در تفسیر آیات قرآن و در تبیین مفاهیم و آموزه‌های دین اسلام قلمداد کرده است. نویسنده این جستار بر آن است چرایی و چگونگی جامعیت قرآن را از دیدگاه سید قطب، به ویژه در تطبیق با نظریات علمای شیعه، بکاود و میزان درستی نظرگاه او را سنجیده، ضرورت‌ها و بایستگی‌های آن را یادآور شود.

کلیدواژه‌ها: مبانی تفسیری، تفسیر عصری، جامعیت قرآن، سید قطب، فی ظلال القرآن.

درآمد

مصلحان مسلمان، به ویژه مفسران قرآن، عامل اصلی عقب‌ماندگی و ضعف و انحطاط اسلامی را دوری و بیگانگی مسلمانان از تعلیمات حقیقی و جامع قرآن می‌دانند؛ از این رو، به خلاف عده‌ای که عزت، ترقی و شکوفایی مسلمانان را در رها کردن مسلمانان، و رو آوردن به غرب و عمل بر طبق آموزه‌های عقل و دستاوردهای تجربه

بشری جست‌وجو می‌کنند! اینان راه برون‌رفت از مشکلات و معضلات، و دستیابی به رشد و رونق در جوامع اسلامی را در تغییر نگاه مسلمانان به آموزه‌های دینی می‌دانند و در صددند با گسترده شدن دامنه دخالت و نفوذ فرامین الهی به مسائل اجتماعی، وظیفه روشنگری خویش را به درستی به انجام رسانند. ناگفته پیداست گام برداشتن در این مسیر سخت و شکننده است؛ چه، این اندیشه از سویی، با منافع و مطامع حاکمان و امیرانی که در پرتو نگاه معیوب مسلمانان به دین، در جایگاه سلطنت و فرمانروایی بر آنان قرار گرفته‌اند، در تضاد است و از دیگر سو، با هجمه شبهات و تردیدافکنی‌های روشنفکران و تحصیل‌کردگان متأثر از آموزه‌های غربی مواجه است که نگاهی خُرد، حقیرانه و حداقلی به کارکرد دین دارند و معارف قرآن را در بُعد تکالیف فردی و عبادی آن منحصر و محدود می‌کنند.

مقصود از جامعیت قرآن

در این که مقصود از جامعیت قرآن چیست میان عالمان دین اختلاف نظر است. از ظواهر برخی از عبارات قرآن (نک. نحل: ۸۹؛ یوسف: ۱۱۱؛ اسراء: ۱۲؛ انعام: ۳۸)، روایات معصومین (کلینی ۱۳۸۸: ج ۱، ۵۹ و ۶۰؛ ج ۷، ۱۵۸؛ برقی [بی تا]: ج ۱، ۲۶۸) و سخنان صحابه،^۱ برمی‌آید که قرآن پاسخگوی احتیاجات گوناگون بشری است و همه علوم و دانش‌های مورد نیاز انسان را دربردارد؛ به عبارت دیگر، قرآن جامعیت مطلق دارد!^۲ حال آن که، گروهی از علمای روشن‌بین و هوشمند با استناد

۱. برای مثال از ابن مسعود نقل گردیده که گفته: «إذا أردتم العلم فأثيروا القرآن فإن في خير الأولين والآخرين». این خبر با الفاظ مختلفی نقل شده است، نک. زرکشی ۱۳۷۶: ج ۱، ۴۵۴؛ طبرسی ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۳؛ سیوطی ۱۳۶۵: ج ۴، ۱۲۷؛ ابن اثیر ۱۴۱۸: ج ۱، ۲۲۳ و... گفتنی است که در برخی از منابع روایی این سخن به پیامبر ﷺ نسبت داده شده است. نک. ثعالبی ۱۴۱۸: ج ۱، ۱۲۳؛ متقی هندی ۱۴۰۹: ج ۱، ۵۴۸ حدیث ۲۴۵۴ و در برخی منابع دیگر به امام علی نسبت داده شده است. نک. کوفی ۱۴۱۰: ۶۸.

۲. ظاهراً «غزالی» نخستین فردی است که در این باره به صورت مبسوط و جدی سخن گفته است. دو کتاب: احیاء علوم الدین و جواهرالقرآن مشتمل بر سخنان و دریافته‌های عملی وی از آیات قرآن است. از دیدگاه غزالی افعال و صفات الهی مشتمل بر همه دانش‌ها می‌باشند و از آن جا که بنا بر نظر وی، قرآن شرح ذات، افعال و صفات خداوند است پس مشتمل بر همه دانش‌هاست! لذا، علوم چون پزشکی، اخترشناسی، هیئت، تشریح، سحر، طلسم و... همه در قرآن یافت می‌شوند و فراتر از آن، علوم در قرآن موجود است که انسان قدرت درک و

به اهداف و مقاصد نزول قرآن، جامعیت آن را در جهت این اهداف و مقاصد ارزیابی می‌کنند و قرآن را مشتمل بر همه رهنمودهای مورد نیاز جهت هدایت، سعادت و کمال انسان می‌دانند^۱ (ذهبی ۱۳۹۶: ج ۲، ۴۹۸؛ طباطبایی [بی‌تا]: ج ۱۲، ۳۲۵؛ معرفت ۱۳۷۵: ۷-۵). در میان گروه اخیر، متفکران شیعه افزون بر پذیرش این معنا از جامعیت، روایاتی را نیز که به وجود همه دانش‌ها و امور در قرآن اشاره دارند، طرد نمی‌کنند؛ بلکه این روایات را ناظر به بطون قرآن می‌دانند که البته تنها معصومین از عهده دستیابی به آن بر می‌آیند. (کریمی ۱۳۸۱: ۱۰؛ هادوی ۱۳۷۷: ۱۲۵).

←

احاطه بر آنها را ندارد و تنها فرشتگان از آن علوم بهره‌مندند! نک. غزالی [بی‌تا]: احیاء علوم الدین، ج ۱، ۲۸۹؛ جوهر القرآن، ۵۱-۴۳. پس از او «سیوطی»، قرآن‌پژوه شهیر، نیز بر این راه رفته و با استناد به آیات قرآن و پاره‌ای از روایات و با اشاره به سخنان تعدادی از مفسران، تأکید می‌کند که همه علوم از جمله علمی مانند: طب، هندسه، جبر و مقابله، صنعت و... از قرآن قابل استنباط است. (نک. [بی‌تا]: ج ۲، جزء ۴ = ۲۸-۴۰).

۱. از دیدگاه مفسر فی ظلال القرآن، قرآن کتاب علم نیست؛ هم‌چنان‌که کتاب حکومت، اقتصاد و فقه نیز نمی‌باشد. قرآن کتاب حرکت، زندگی و سازندگی است و حوزه فعالیت آن عبارت است از انسان و اعتقاد، اندیشه، احساسات، رفتار، روابط و تعلقات مربوط به انسان؛ لذا جز در مواردی اندک به بیان حقایق علمی نپرداخته (سید قطب ۱۴۲۵: ج ۴، ۱۸۵۸ و ۲۳۷۶) و اشاره قرآن به طبیعت و پدیده‌های آن به قوانین و سنن حاکم بر هستی، نیز تنها به تناسب هدف و مخاطبان این کتاب آسمانی و به قصد تبیین غایت، حکمت، هدف و نظم موجود در نظام آفرینش صورت گرفته است؛ که این آگاهی‌ها از آن جهت که جایگاه و موقعیت انسان را در هستی، و نسبت او را با خداوند مشخص می‌کنند، از اهمیت به‌سزایی برخوردارند و از ارکان اندیشه اسلامی در ارتباط با هستی به‌شمار می‌آیند (همان، ج ۱، ۵۴۵-۵۴۳ و ج ۵، ۲۹۴۳).

سید قطب قرآن را در موضوع خود کتابی کامل می‌داند. وی موضوع قرآن را عبارت از «انسان» می‌داند؛ امری که بسیار برتر و بالاتر از علوم مختلف است؛ زیرا تحقیق و تجربه و تطبیق از خواص عقل انسانی است و انسان می‌تواند علوم و دانش‌ها را از طریق آن کشف کند و از نتایج آنها بهره‌مند شود. بر این اساس وی معتقد است: قرآن درصدد آفرینش اندیشه، نظام و جامعه ویژه‌ای است. درصدد آفرینش امتی ویژه در زمین است که نقش رهبری بشریت را برعهده گیرد! امتی نمونه و بی‌نظیر که زندگی نمونه و بی‌نظیری را شکل دهد! لذا قرآن بر خلاف نظر برخی از پیروان متعصب آن، و نیز برخلاف نظر طعنه‌زندگان بر آن - که درصدد یافتن مخالفتی در آن با علوم تجربی و طبیعی می‌باشند - کتاب نجوم، شیمی، پزشکی و دیگر علوم تجربی نیست؛ و در جایگاهی برتر از این معلومات جزئی می‌نشیند. وظیفه قرآن این است که تصویری کلی از هستی و چگونگی ارتباط آن با آفریننده‌اش، و نیز از وضعیت انسان در این هستی و چگونگی ارتباط او با پروردگار، ارائه دهد؛ تا در پرتو این تصور، نظامی برپاگردد که به انسان اجازه می‌دهد: همه توانایی‌های خود - از جمله توانایی عقلی‌اش - را به کار گیرد و در حدود مجاز بشری به بحث و بررسی علمی و به تجربه و تطبیق بپردازد و به نتایج مورد نظر خویش دست یابد (سید قطب ۱۴۲۵: ج ۱، ۱۸۲-۱۸۱؛ ۱۳۹۹: ج ۳، ۴ و ج ۴، ۲۳۷۶).

سید قطب و جامعیت قرآن

سید قطب (۱۳۲۴-۱۳۸۶ ق) در اواسط قرن چهاردهم هجری بر بستر درک و ذهنیتی که از ابتدای این قرن و بلکه پیش تر از آن در پرتو کوشش‌های اصلاح‌گرانه سید جمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان و مریدانش شکل گرفته بود با مراجعه به قرآن، نگاه و نگرش جدیدی را مطرح کرد که از مهم‌ترین ویژگی‌ها و امتیازهای آن، طرح «جامعیت و شمول معارف قرآن» است؛ سید قطب قرآن را کتاب زندگی و تنها برنامه سعادت و کمال بشری می‌داند. در نظرگاه وی هر گونه برنامه و راه و روش زندگی که ناشی از وحی آسمانی نباشد و صرفاً با تکیه بر عقل و دانش و تجربه محدود بشری سامان گرفته باشد، برنامه‌ای ناقص، انحرافی و گمراه‌کننده است و در دستگیری بشر و در راهیابی وی به سعادت مورد انتظار، ناتوان است. وی در مقدمه فی ظلال القرآن، نوع جهت‌گیری و نگاه خویش به قرآن و معارف آن را یادآور می‌شود و به خواننده کتاب گوشزد می‌کند که: قرآن، کتاب و برنامه حقیقی زندگی انسان است و منطبق کردن زندگی بر این برنامه موجب برکت، فرخندگی، طهارت و بلندای آن می‌شود و کرامت، اطمینان، عزت و آسودگی انسان را در پی دارد. او صرفاً راه رهایی بشر از گمراهی، فساد و شقاوتی را که اکنون به آن مبتلا شده است در بازگرداندن همه امور و ابعاد زندگی به این برنامه و آیین — که در قرآن آمده — می‌داند (نک. سید قطب ۱۴۲۵: ج ۱، ص ۱۸-۱۱).

مسئلاً بحث جامعیت قرآن، از سویی با مسئله «انتظار و توقع از دین» یا «اهداف و مقاصد دین» گره خورده است و از سویی، با مباحثی چون: «خاتمیت»، «جهانی بودن» و «جاودانگی» دین اسلام سخت در ارتباط است؛ چرا که دین اسلام آخرین دین، پیامبر آن آخرین پیامبر، و قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است،^۱ و خداوند آخرین سخن‌ها و راهنمایی‌های خود را با نزول قرآن، با بشریت در میان نهاده، و از آن پس تعالیم جدیدی از سوی او برای انسان‌ها ارسال نخواهد شد. بر این اساس، مسئله انتظار از دین (اسلام) با توجه به دو ویژگی «جهانی» بودن و «جاودانگی» آن، به سان یک

۱. چنان‌که امام صادق در این معنا می‌فرماید: «إن الله - عزَّ ذكره - ختم بنبيكم النبيين فلا نبي بعده أبداً و ختم بكتابتكم الكتب فلا كتاب بعده و...» (نک. کلینی ۱۳۸۸: ج ۱، ۲۶۹).

مسئله اساسی و تعیین‌کننده مورد توجه اندیشمندان و قرآن‌پژوهان است و نظریاتی چند در این باب ارائه شده است (نک. ایازی ۱۴۲۴: ۵۲-۵۱؛ غفاری ۱۳۷۶: ۲۸-۱۷؛ ربانی ۱۳۷۸: ج ۶، ۷۳-۷۲).

سید قطب نیز با توجه به نگرش خاص خود نسبت به قرآن و براساس رسالتی که برای این برنامه و حیانی قائل است، تعریف ویژه‌ای از جامعیت و شمول قرآن ارائه می‌دهد. این تعریف گرچه در میان اندیشمندان و قرآن‌پژوهان شیعه تازگی ندارد و آنان به سبب بهره‌مندی از تعالیم اهل بیت به سهولت با چنین درکی از دیرباز آشنا هستند؛ در میان اهل سنت و عالمان و مفسران آن، جسورانه، شگفت و درخور توجه است! به ویژه آن‌که این بحث، محور و بستر اصلی مطالعات و نگارش‌های قرآنی و اسلامی سید قطب است تا آن‌جا که می‌توان گفت: تمام فعالیت‌های اصلاحی و اسلامی او در جهت تبیین جامعیت قرآن و تبیین کارکرد فراگیر دین در زندگی بشر قابل ارزیابی است.^۱

گرچه سید قطب در تبیین کارکرد همه جانبه قرآن از لفظ «جامعیت» استفاده نکرده است؛ و در ذیل آیاتی که فرهیختگان مسلمان و مفسران عمدتاً در تبیین آنها مبحث جامعیت دین و قرآن را پیش کشیده‌اند، به این موضوع نپرداخته است؛^۲ لکن دیگر واژگان و عباراتی که او مورد استفاده قرار داده است به روشنی بیانگر این مقصود است.^۳ افزون بر این توضیحات صریح، گسترده و مکرر او در این زمینه، جایی برای

۱. آثاری چون: العدالة الاجتماعية في الاسلام، السلام العالمي و الإسلام، معركة الاسلام و الرأسمالية، المستقل لهذا الدين، خصائص التصور الاسلامي، مقومات التصور الاسلامي، نحو مجتمع اسلامي، معالم في الطريق و در رأس همه تفسیر فی ظلال القرآن بیانگر این جهت‌گیری روشن سید قطب است.

۲. آیاتی چون ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ...﴾ (نحل: ۸۹). ﴿لَا تُزَيِّدْ وَلَا تَنْقُصْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ (انعام: ۵۹) ﴿وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (یوسف: ۱۱۱) و...

۳. الفاظی همچون: «منهج حياة صحيحة»، «منهجة حياة واقعية»، «منهج متكامل»، «منهج حياة شامل متكامل»، «منهج حياة كامل»، «منهج شامل»، «منهج عام»، «دستورات شاملة للحياة»، «صورة شاملة متوازنة دقيقة»، «صيغة جامعة شاملة» و... از این قبیل است. به ترتیب ر.ک: سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵، ۲۷۰۴، ج ۲، ۸۹۵، ج ۱، ۳۱۷، ۵۸۲، ج ۳، ۱۳۸۹، ۱۴۹۸، ج ۶، ۳۶۵۷، ۳۹۸۴، ج ۱، ۵۳۱، ۵۳۰، ج ۲، ۷۹۳، ج ۳، ۱۴۹۸، ۱۳۸۹ و همو، خصائص التصور الإسلامي، ۱۱۳. فی ظلال القرآن، ج ۴، ۲۵۳۲، ۲۵۳۱، ج ۵، ۳۰۳۶، ج ۶، ۳۷۰۹، ج ۴، ۲۱۱۶، ج ۲، ۸۵۱، ج ۱، ۲۶۱، ج ۲، ۷۹۳، ج ۲، ۸۲۴

تردید باقی نمی‌گذارد و موضع قاطع و روشن وی را در پذیرش جامعیت قرآن تأیید می‌کند (نک. سید قطب ۱۴۲۳: ۱۱۸-۹۵).

مفهوم دین در اسلام از دیدگاه سید قطب

پیش از بیان ابعاد جامعیت و شمول قرآن از دیدگاه سید قطب، ضروری می‌نماید مفهوم دین را از نظر او مطرح کنیم. در نظرگاه سید قطب «دین» در «مفهوم اسلامی» آن عبارت است از نظامی که همه جوانب زندگی را شامل می‌شود. او معتقد است که دین مجموعه نظم‌ها و قواعدی ربّانی است که هدف آن همه زندگی بشری است و همه فعالیت‌ها و تحرکات زندگی را دربر می‌گیرد (سید قطب ۱۴۲۵: ج ۲، ۸۲۵، ۸۴۱، ۸۵۳)؛ لذا از ایجاد تغییر در کارکرد دین، و تبدیل آن به موعظه‌هایی که فقط در منابر گفته شود، و شعائری که در مساجد به جا آورده شود و از این که قرآن صرفاً به سان کتابی فرهنگی به حساب آید که برای لذت بردن یا کسب معلومات، مورد مطالعه و قرائت قرار گیرد، به شدت انتقاد می‌کند و این گونه تعامل با دین را، موجب تهی شدن دین از نظام زندگی و سبب از دست رفتن حقیقت آن می‌داند (همان: ج ۲، ۸۵۳؛ ج ۵، ۲۵۶۳). سید قطب در پاسخ به انتقاد مقامات حکومتی مصر که به او می‌گفتند: مگر فقط شما مسلمانانید؟ مگر نه این که در کشور کنفرانس اسلامی برگزار می‌شود، برنامه «نور علی نور» پخش می‌شود، در مساجد نماز برپا می‌شود، مردم به حج می‌روند و... تأکید می‌کرد: دایره اسلام گسترده‌تر از این امور است، اسلام یک «زیست‌روش» کامل است (نک. صلاح‌الخالدی ۱۳۸۱: ۵۳۷-۵۳۶).

او با اشاره به انحراف و فساد موجود در بین مسلمانان و جوامع اسلامی و ضعف و زبونی و ذلت ناشی از آن، به مصلحان مسلمان توصیه می‌کند که اگر در صدد اصلاح و علاج این وضعیت‌اند، باید مردم را به اسلامی دعوت کنند که برنامه همه ابعاد زندگی است نه اسلامی که فقط یک بُعد جزئی و کم‌اثر از آن را دربر می‌گیرد. وی تصور برخی از مسلمانان درباره دین را — با وجود آن که دین در همه عرصه‌های زندگی کارساز، راه‌گشا و درمان‌بخش است و کتاب آسمانی آن مشتمل بر برنامه‌ریزی‌های دقیق، و

توجهات استوار و شگفت‌انگیز در همه ابعاد زندگی است — تصویری ضعیف و مسکینانه می‌نامد! لذا با ناکافی شمردن مراجعه به قرآن در مسائل مربوط به اخلاق، آداب و عبادات، معتقد است که در زمینه معاملات، اقتصاد، سیاست و امور دیگر نیز — ضرورتاً — باید به قرآن مراجعه شود (سید قطب ۱۴۲۵: ج ۱، ۵۸۲-۵۳۱؛ ج ۲، ص ۷۰۵-۷۰۴، ۹۴۹). به دیگر سخن، دین با دنیا و زندگی در هم تنیده است و اساساً برای اصلاح زندگی و هدایت انسان در بستر دنیا آمده است؛ لذا بدون وحی و بدون عمل به احکام آن، روش درست زندگی کردن را نمی‌توان فراگرفت و وصول به سعادت دنیوی و اخروی میسر نیست (حامد الگار ۱۳۷۶: ۹۰-۸۹ و ۱۱۵-۱۱۲).

ابعاد برنامه جامع اسلام

زندگی بشری مشتمل است بر ابعاد متعدد: فردی، اجتماعی، معنوی و مادی. لازم است، هر برنامه و آیین مدعی سعادت‌طلبی و امنیت‌گستری، همه این ابعاد را در نظر گیرد و متناسب با ضرورت‌ها و اقتضائات هر یک پاسخگو باشد. ناکامی بسیاری از مکاتب در فراهم آوردن آسایش لازم برای زندگی بشر، به ناتوانی آنها در پاسخ دادن به نیازمندی‌های متنوع و متغیر بشر بازمی‌گردد. سید قطب برنامه قرآنی را مشتمل بر کلیه لوازم یک زندگی اجتماعی سعادت‌تمندانه در قالب قوانینی متین، مستحکم، پیوسته و انفکاک‌ناپذیر معرفی می‌کند، و سازمان‌ها و تشکیلات زندگی‌ساز آن را در موارد زیر جلوه‌گر می‌داند:

- سازمان اخلاقی؛

- تشکیلات سیاسی، شکل حکومت و خصوصیات آن؛

- نظام اجتماعی و هر آنچه در نگاه‌داری و بقای آن مؤثر است؛

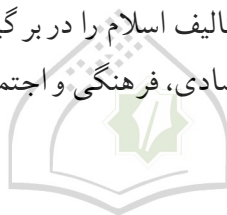
- نظام اقتصادی و فلسفه و تشکیلات آن؛

- حقوق بین‌المللی و همبستگی جهانی (سید قطب ۱۴۲۵: ۵).

وی در آثار و تألیفات متعدد خود، نحوه عمل اسلام را در هر یک از ابعاد فوق به تفصیل تبیین کرده است. این دیدگاه با اندیشه علمای برجسته شیعه، خاصه علمای

معاصر همچون: امام خمینی «ره» (۱۳۷۵: ج ۱۳، ۳۶-۳۷ و ۴۱-۴۲؛ ۱۳۶۹: ج ۱، ۲۵۷؛ ج ۵، ۲۱۸، ۲۸۳، ج ۱۶، ۲۰۰، ج ۱۰، ۱۸، ج ۱۱، ۲۱۷-۲۱۵، ۲۶۲؛ طباطبایی [ابی تا] ۲۷-۳؛ مطهری ۱۳۷۰ ب: ۴۲، ۶۰-۵۹) و... تطابق بسیار دارد؛ البته ممکن است بین او و علمای شیعه در نحوه اجرای این برنامه‌ها اختلاف نظر و تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، اما در این اصل که قرآن برنامه جامع و کامل و همه جانبه اداره همه ابعاد زندگی بشری است، و در تأکید بر ضرورت اجرا و تطبیق این برنامه، میان آنها اختلافی دیده نمی‌شود.

حتی اندیشمندان غیرمسلمان نیز جامع‌نگری اسلام و توجه همه سویه آن به انسان را تأیید کرده‌اند. مارسل بوازار، اسلام‌شناس غربی، در کتاب اسلام و حقوق بشر با پذیرش اهتمام دین اسلام به همه ابعاد وجودی انسان، این نگرش جامع را مرهون وحی آسمانی می‌داند. وی دستورالعمل‌ها و تکالیف اسلام را دربرگیرنده خط مشی هر مسلمان در امور مادی، معنوی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی معرفی می‌کند (نک. ربانی ۱۳۷۸: ج ۷، ۹۲-۸۲).



دلایل سید قطب در اثبات جامعیت قرآن

بیان هر رأی و دیدگاه نیازمند استدلال استوار و قوی برای تقویت و تثبیت آن رأی و مقبول کردن آن در نزد مخاطبان است. دانشمندان آگاه و قرآن‌پژوهان هوشمندی که به کمال و فراگیری دین اسلام و تعلیمات آن برای هدایت و رشد و ترقی بشریت باورمند بوده‌اند، هر یک توجیحات و براهینی در تأیید نظر خویش ارائه داده‌اند. سید قطب نیز از این امر مستثنی نیست. آنچه سید قطب به منزله ملاک‌ها، معیارها، دلایل، حکمت‌های جامعیت و کمال برنامه قرآنی برمی‌شمرد، علاوه بر اثبات این مطلب، دلایل «جاودانگی» و «جهانی» بودن قرآن نیز به شمار می‌آید؛ چه، همان‌گونه که گفتیم میان جاودانگی و جهانی بودن قرآن با جامعیت آن پیوند عمیق و دقیقی وجود دارد! نمی‌توان خاتمیت و ماندگاری قرآن و جهانی بودن تعالیم آن را پذیرفت؛ اما جامعیت آن را باور نداشت! اگر برنامه دین و تعلیمات آن در پرورش و رشد بشریت و

پاسخگویی به احتیاجات واقعی و همه جانبه او ناکافی باشد، ابدی و دائمی بودن آن نیز بی معنا خواهد بود (مطهری ۱۳۷۰: ۶۰-۵۹؛ ایازی ۱۴۲۴: ۷۲-۷۰)؛ گو این که این پیوند در ذهن و خاطر مسلمانان به خوبی درک نشده است.

۱. هماهنگی با فطرت بشر و ناموس هستی

اولین و مهم ترین رمز جامعیت و جاودانگی رسالت اسلام و برنامه های قرآنی از نگاه سید قطب، در هماهنگی و انطباق آن با فطرت بشری نهفته است؛ چه، مخاطب اسلام، انسان است و این دین، فطرت انسانی را که در همه انسان ها به صورت یکسان موجود است و با گذشت زمان و تغییر مکان، تغییر و تحول نمی یابد، مورد خطاب قرار داده است؛ تا آن جا که می توان دین اسلام را «دین فطرت» نامید که از جانب «رسولی فطری»^۱ برای «فطرت بشر» فرستاده شده است. بر این اساس، این دین تمام ابعاد وجودی انسان: قوت ها، ضعف ها، کشش ها، گرایش ها، فشارهای جسمانی، شعله ور شدن های شهوانی و... را مورد توجه قرار داده و برای آنها دستوراتی بزرگوارانه و واقع گرایانه تدارک دیده است (سید قطب ۱۴۲۵: ج ۱، ۴۷۳-۴۷۲؛ ج ۲، ۸۴۲؛ ج ۳، ۱۳۷۹ و ج ۴، ۲۱۹۱).

در دیدگاه علامه طباطبایی نیز راه واقعی برای انسان در مسیر زندگی همان است که آفرینش ویژه وی به سوی آن دعوت می کند؛ زیرا انسان باید مقرراتی را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار ببندد که با طبیعت و فطرتش هماهنگ باشد؛ هم چنان که مقتضای دین فطرت آن است که تجهیزات وجودی انسان ملغی نشود و حق هر یک از آنها ادا شود (طباطبایی ۱۳۷۰: ۸-۹؛ ج ۱۶، ۱۷۹-۱۷۸، ج ۱۹، ۲۷۱، ج ۲۰، ۱۲۴).

از سوی دیگر، منهج قرآنی افزون بر مطابقت با سرشت بشری، بر قوانین و ناموس هستی نیز منطبق است؛ لذا تا هنگامی که سرشت بشری و سنت های جهان هستی دگرگون نشده باشند — که هرگز دگرگون نخواهند شد — این رسالت و برنامه آسمانی

۱. مقصود طهارت و سلامت روح و جان پیامبر صلی الله علیه و آله از هرگونه آلودگی و تیرگی پس از خلقت در دنیا است.

نیز نیاز به دگرگونی ندارد؛ زیرا همان گونه که سراغ گرفتن از خورشیدی جدید و انسانی جدید، خنده آور است، سراغ گرفتن از قرآن جدید و برنامه آسمانی جدید، به مراتب خنده آورتر است؛ از این رو این برنامه همچون قوانین تغییرناپذیر طبیعت در طول تاریخ بشریت و پا به پای نسل‌ها، تا آخرین روزی که بشریت در دنیا زندگی کند، زنده، مؤثر و تخلف‌ناپذیر خواهد بود (سید قطب ۱۴۲۵: ج ۱، ۳۴۹. و نک. سید قطب ۱۴۲۵ الف: ابن سلامه [بی تا]: ۱۳۷-۱۲۷).

فرهیختگان دیگری نیز به این نکته اشاره کرده‌اند و راز و رمز اساسی و حقیقی جاودانگی آیین اسلام را در وابستگی کامل آن به فطرت و طبیعت انسان، اجتماع و جهان هستی می‌دانند (نک. مطهری ۱۳۷۰: ۵۸).

۲. اصول دائمی و قواعد اساسی

از خصوصیات دین جامع و برنامه فراگیر آن است که دستورات و احکام خود را به گونه‌ای پی‌ریزی کند که در تکوین آن عمومیت و شمول نهفته باشد. برای تأمین این هدف لازم است آن دستورات و رهنمودها در قالب قواعدی اساسی، و اصولی استوار و دائمی درآید تا در هر زمان و مکان و همگام با هر نوع تحول، صحت و استواری خویش را حراست کند و حافظ و نگهبان جهت‌گیری اساسی و کلی جامعه به سوی حق و حقیقت باشد. سید قطب بدین نکته راه یافته و راز جامعیت و جاودانگی برنامه قرآن را نه در بیان مفصل و جزء به جزء همه احکام و دستورات ضروری، بلکه در تعبیه قواعد اساسی، حقایقی کلی و اصولی دائمی برای اموری می‌داند که با گذشت زمان و تغییر مکان، متحول و دگرگون می‌شوند. از دیدگاه وی ویژگی این اصول دائمی در آن است که دچار اضطراب و تغییر نمی‌شوند و دگرگونی‌های زندگی، اختلاف نظم‌ها، تعدد شیوه‌ها و تنوع محیط در آنها مؤثر نیست. افزون بر این مبادی کلی در برگیرنده همه اصول زندگی انسانی و تمام زوایا و ابعاد آن هستند؛ بنابراین، زندگی فردی و پیوندهای اجتماعی، بنیان‌های حکومت، ارتباطات بین‌المللی و همه مجال‌های نشاط و فعالیت فردی و اجتماعی را شامل می‌شوند و حتی یک بستر فعالیت را بدون راهنمایی و

هدایت لازم رها نمی‌کنند. سید قطب بر خلاف سیره ممتد و مرسوم اهل سنت — که غالباً بر بهره نبردن از «اجتهاد» و ژرفانگری، و بر تمسک به ظواهر نصوص و تقلید از فهم صحابه، تابعین و علمای سده‌های نخستین بنا نهاده شده است — قرآن را کتابی گشوده در برابر عقل بشری معرفی می‌کند که نسل‌های متوالی می‌توانند بر اساس اصول دائمی آن، احکام جزئی مورد نیاز خویش را — که با رشد و ترقی زندگی بدان‌ها احتیاج می‌شود — هم‌چنین وسایل اجرای این احکام را بر حسب شرایط و اوضاع مختلف و بدون برخورد با اصول دائمی از آن استنباط کنند. (سید قطب ۱۴۲۵ الف: ج ۴، ۲۴۰۱، ج ۵، ۳۱۸۸ و نک. ج ۳، ۱۳۷۹؛ ج ۵، ۳۱۵۳-۳۱۵۲، ۱۴۲۵ ب: ۶۹). این سخن منطبق بر روایتی است که از ششمین پیشوای راستین مسلمانان، صادق آل محمد علیهم‌السلام، نقل شده است. بر طبق این روایت: هیچ امری نیست که دو نفر درباره آن اختلاف داشته باشند مگر این که در ارتباط با آن اصل و قاعده‌ای در کتاب الهی موجود است (کلینی ۱۳۸۸: ج ۱، ۶۰، ج ۷، ۱۵۸؛ برقی [بی‌تا]: ج ۱، ۲۶۸؛ طوسی ۱۳۶۵: ۹، ۳۵۷).

دیدگاه سید قطب در این زمینه به اندیشه متفکران و مصلحان شیعه بسیار نزدیک است؛ چنان‌که مرتضی مطهری نیز بخش عمده‌ای از دلایل جامعیت و جاودانگی رسالت اسلام را در وجود همین اصول و مبانی عام و بهره‌مندی از اجتهاد و تفقه جهت وضع قوانین جزئی متغیر و ثانویه در پرتو آن اصول، می‌داند. او مدعی است در ادیان گذشته زمینه‌ای برای اجتهاد و تفقه در دین وجود نداشته است (مطهری ۱۳۷۰ الف: ج ۱ و ۲؛ ۱۳۷۰ ب: ۶۹-۶۴).

ناگفته پیداست که پذیرش این سخن بدان معنا نیست که در این برنامه جامع که به کمک اصول دائم و قواعد کلی پیوسته با شرایط جدید منطبق و پاسخگوی نیازهای نو می‌شود، احکام و قوانین تفصیلی و جزئی وجود ندارد. سید قطب برای یادآوری این نکته در تفسیر آیه: ﴿أَفَعَيِّرُ اللَّهُ آيَاتِي حَكْمًا وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا﴾ (انعام: ۱۱۴)، قرآن کریم را افزون بر مشتمل بودن بر آن اصول و مبادی کلی و دائمی، حاوی پاره‌ای از احکام تفصیلی و جزئی دائمی و مستمر می‌داند، و ثبات و استمرار این احکام را برای جامعه بشری، در هر شرایط اجتماعی، اقتصادی، علمی و... ضروری

می‌شمارد و یادآور می‌شود که قرآن با بهره‌مندی هم‌زمان از آن مبادی و اصول کلی و این احکام جزئی ثابت، همه شئون زندگی را دربر می‌گیرد و از هر منبع دیگری بی‌نیاز می‌شود (سید قطب ۱۴۲۵: ج ۳، ۱۱۹۴؛ ج ۴، ۲۱۱۶ و نک. ج ۲، ۸۴۳).

۳. پاسخگویی مستمر و شگفت

برطبق کلام مفسر فی ظلال، یکی دیگر از اسرار جامعیت قرآن، پاسخگویی پیوسته و مستمر این کتاب آسمانی به سؤالات و معضلات بشر است. سید قطب در توضیح چگونگی این پاسخ‌دهی مستمر می‌گوید نصوص قرآن به گونه‌ای است که در هر بار تلاوت و مطالعه، پیام و الهام جدیدی به انسان می‌بخشد؛ این پیام جدید می‌تواند پاسخگوی مشکلات و پرسش‌های جدید و موجب روشنگری و گزینش جهت‌گیری صحیح، مطمئن و استوار باشد؛ در حالی که هیچ کتاب دیگری چنین امتیازی ندارد (سید قطب ۱۴۲۵ ب: ج ۵، ۲۸۳۶).

راز این طراوت و الهام بخشی مستمر قرآن، در کلام امام صادق بازگو شده است. آن حضرت می‌فرماید: «طراوت و تازگی قرآن بدان جهت است که این کتاب برای زمانی معین و برای مردمی مشخص نازل نشده است؛ قرآن کتاب همه زمان‌ها و همه انسان‌هاست، از این رو، در هر زمانی نو، و برای هر نسلی تازه است، (ابن بابویه ۱۴۰۴: ج ۱، ۹۳) و معارف و شگفتی‌های آن پایان‌ناپذیر است» (حویزی ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۳).

۴. انعطاف‌پذیری برنامه آسمانی

از دیدگاه سید قطب، طبیعت برنامه قرآنی مشتمل بر همه ظرفیت‌های لازم برای هم‌نوای و همگام شدن با همه تغییر و تحولات و ترقیات گوناگون زندگی بشری است. در این برنامه برای هر گونه تحولی که در زندگی بشری رخ می‌دهد، حسابی باز می‌شود و از پیش مورد محاسبه قرار می‌گیرد؛ از این رو بدون خروج از هیچ یک از اصول یا فروع خود و بدون به تعطیلی کشاندن یا فراموشاندن آنها، با تحولات همراه و پذیرای آنها

می‌شود. در این که چه عاملی موجب چنین انعطافی در برنامه و حیانی شده است؟ سید قطب منشأ آن را به تدبیر و دانش الهی نسبت می‌دهد، و آگاهی خداوند از حوادث آتی و شرایط جدید و احتیاجات نو به نو را سبب شکل گرفتن این برنامه آسمانی حیات‌بخش در حالت و وضعیت اخیر آن معرفی می‌کند.

وی با توجه به آیه شریفه: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (مائده: ۳). عامل «کمال» یافتن دین اسلام و دلیل «رضایت» مندی خداوند برای «دین» نامیدن آن را به وجود همین خصلت «انعطاف» پذیری موجود در آن نسبت می‌دهد (سید قطب ۱۴۲۵: ج ۲، ۸۳۳).

شهید مطهری خصلت انعطاف‌پذیری موجود در آیین اسلام را نوعی دینامیسم، تحرک و انعطاف می‌نامد که خشکی و جمود را از آن دور می‌کند و با حفظ اصل «حلال محمد - ص - حلال إلى يوم القيامة و حرام محمد - ص - حرام إلى يوم القيامة» تمام صور متغیر زندگی را دربر می‌گیرد، راه حل مشکلات را ارائه می‌دهد و هر یک را به شکل خاصی حل می‌کند (۱۳۷۰: ۵۷). بنابراین وجود این خصلت عامل رفع تنافی میان خاتمیت و ثبات دین از یک طرف و تحول زمان و نیازمندی‌های متغیر و متحول انسان از سوی دیگر است (ربانی ۱۳۸۱: ۴۰).

۵. ضرورت «وجود انسجام در شئون مختلف زندگی بشر»

ضرورت وجود اندیشه‌ای واحد و متکامل، برنامه‌ای واحد و هماهنگ، نظامی واحد و فراگیر و وسایلی یکسان برای دخالت و اثرگذاری در همه شئون زندگی انسان از دیگر دلایل جامعیت و شمول برنامه آسمانی، از دیدگاه سید قطب است. این ویژگی سبب می‌شود تا چنین برنامه‌ای هم‌زمان شعائر عبادی، احساسات درونی و قوانین تنظیمی انسان را شامل شود؛ زیرا اساساً هر برنامه مدعی سعادت و کمال برای انسان، هنگامی استوار، مناسب و مؤثر خواهد بود و به نتایج پیش‌بینی شده دست خواهد یافت که امور دنیا و آخرت و شئون قلبی و اجتماعی و جهانی انسان را هم‌زمان فراگیرد.

بر اساس این دیدگاه، استقامت و سلامت زندگی بشری صرفاً زمانی تأمین می‌شود

که عقاید، شعائر، معیارها و قواعد زندگی بشر از یک منبع و مصدر دریافت شود و فقط یک سلطه بر ضمیر و نهان انسان و بر حرکات و سلوک ظاهری او حاکم باشد؛ در غیر این صورت، نفس بشری در میان سلطه‌ها، جهت‌گیری‌ها، منابع و برنامه‌های مختلف و متعدد از هم می‌پاشد و زندگی انسانی، چنان‌که در آیات قرآن نیز اشاره رفته است،^۱ به فساد و تباهی رو می‌نهد (سید قطب ۱۴۲۵ الف: ج ۱، ۱۷۹، ۵۳۱-۵۳۰؛ ج ۲، ۸۹۶؛ ۱۴۲۵ ب: ۹-۱۱؛ ۱۴۲۳: ۱۱۸-۱۱۱).

۶. ضرورت تحقق «عبادت فراگیر»

تعریف و تبیین سید قطب از مسئله «عبادت» نیز بیانگر تعمیم و شمول قرآن و برنامه دین نسبت به همه ابعاد زندگی است. وی تقسیم فعالیت‌های انسان به دو بخش: «عبادت» و «معاملات» را — که در قرون متأخر و به هنگام تدوین و تبویب دانش فقه صورت گرفته است — هر چند در آغاز یک تقسیم‌بندی تخصصی و علمی صرف بوده، موجد انحراف در اندیشه اسلامی می‌داند؛ که به نوبه خود به انحراف در ذهنیت و باور مسلمانان انجامیده و سبب شده است تا مسلمانان بخش درخور توجهی از فعالیت‌های انسانی را از قلمرو عبادات خارج سازند؛ حال آن‌که بر طبق اندیشه صحیح اسلامی هیچ نشاط و فعالیتی در زندگی انسان، خارج از حوزه «عبادت» نیست. در نظرگاه سید قطب «برنامه و آیین اسلامی در صدد تحقق معنای جامع 'عبادت' در همه ابعاد زندگی بشر است؛ هم‌چنان‌که هدف از آفرینش انسان نیز در کلام خداوند 'عبادت' معرفی شده است».^۲

مطابق با این دیدگاه، پذیرش و اجرای نظام حکومتی، نظام اقتصادی، قوانین جنایی، مدنی، خانوادگی و همه قوانینی که آیین اسلام ارائه کرده و اجرای آنها را در زندگی خواسته است، عبادت و بندگی خداوند محسوب می‌شود، از این رو کنار نهادن آنها به معنای خروج از بندگی، خروج از غایت وجودی انسان و سرانجام خروج از دین

۱. انبیاء: ۲۲؛ مؤمنون: ۷۱؛ جاثیه: ۱۸.

۲. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶).

خداوند تلقی می‌شود. سید قطب این دیدگاه را به آیات قرآن استناد می‌دهد و سخن دیگر اندیشمندان مسلمان را نیز مؤید این امر می‌داند (سید قطب ۱۴۲۵ الف: ج ۱، ۳۶۷؛ همان: ۱۴۲۳: ۱۱۸-۱۱۴).^۱

با تکیه بر این پیش فهم است که سید قطب به هنگام تبیین خصوصیات «امت اسلامی» آن را عبارت از جماعتی می‌داند که بر همه جوانب زندگی فردی، عمومی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی آن، قوانین و برنامه الهی حاکم است (حدادی ۱۳۸۶: ۱۶) و نه جماعتی که صرفاً به برخی از جنبه‌های شکلی این برنامه همچون نماز، روزه، حج، طهارت، قوانین میراث، ازدواج، طلاق و برخی شعائر دیگر توجه کنند (سید قطب ۱۳۷۸: ۷۷، ۷۹؛ ۱۹۸۶: ۱۳۵، ۱۶۷).

مفسر فی ظلال تحقق حقیقت بزرگ و فراگیر دین اسلام را جز با بندگی کامل خداوند در همه شؤون زندگی ممکن نمی‌داند (سید قطب ۱۴۲۵ الف: ج ۴، ۲۱۲۲). از نظر وی طبیعت دین اسلام در بازگو کردن این امر، بسیار واضح، صریح و تردیدناپذیر است؛ گو این که برخی با تکلف و مشقت فراوان در صدد دگرگون جلوه دادن این امر روشن هستند (همان: ج ۳، ۱۴۰۳).



نتایج پذیرفتن جامعیت دین

پس از بیان دلایل سید قطب در اثبات جامعیت قرآن و بیان ضرورت‌های این امر از نگاه وی، تبیین عواقب پای‌بند نبودن به این اندیشه راهگشا نیز از دیدگاه وی ضروری می‌نماید. سید قطب تخصیص و تحدید آموزه‌های قرآن را در بُعد فردی و عبادی آن، پذیرش تنگ‌نظرانه دین می‌داند و بر این باور است که این گونه پذیرش نتایج چشمگیر و سعادت‌بخشی در پی نخواهد داشت؛ زیرا برنامه متکامل قرآن و توجیهاات و قوانین آن، فقط آن‌گاه نتیجه‌بخش و اثرگذار خواهد بود که به صورت همه‌جانبه و فراگیر بدان‌ها توجه شود (سید قطب ۱۴۲۵ الف: ج ۱، ۳۱۷، ۴، ۲۱۱۵ و ۱۴۲۵: و ۲۴).

۱. برای مطالعه بیشتر، نک. محمد قطب ۱۴۲۵: ۲۵۳-۱۷۳.

شهید مطهری با اشاره به این نکته تأکید می‌کند که دین اسلام همچون هر امر مرکب دیگری است که اگر اجزای آن تعادل خود را از دست دهد، یا یکی از اجزای آن کاسته و یا به اجزای آن افزوده شود، نقش آفرینی و کارآمدی خود را از دست خواهد داد. بر اساس همین درک، وی اسباب بسیاری از ضعف‌ها و ذلت‌های جوامع مسلمان را در بی‌توجهی آنها به قرآن با این نگرش جامع و در نپذیرفتن کارکرد برنامه قرآنی در عرصه‌ها و شئون و ابعاد مختلف زندگی انسان — به ویژه بُعد اجتماعی آن — می‌داند (۱۳۷۳: ۳۴۵).^۱

افزون بر این، سید قطب پذیرش ناقص و تک بُعدی دین را، موجب ثبوت ایمان و دین‌مداری برای صاحبان آن نمی‌داند؛ بر عکس وی افراد و جوامعی را که با این نگاه به قرآن و برنامه اسلام نظر می‌افکنند در زمره تکذیب‌کنندگان سخن خداوند و فرورفتگان در جاهلیت^۲ و... قرار می‌دهد (سید قطب ۱۴۲۵ الف: ج ۱، ۵۹۰؛ ج ۲، ۹۰۵؛ ج ۳، ۱۱۹۴؛ ج ۴، ۲۱۱۵).

بسیاری دیگر از عالمان دینی و قرآن‌شناسان آگاه و هوشمند نیز با پذیرش جامعیت و فراگیری کارکرد دین اسلام و نفوذگری آن در عرصه‌های گوناگون زندگی بشر، همین امر را دلیل اصلی مبارزه دشمنان اسلام با آن و علت تلاش آنها برای جلوگیری از تحقق آن با تمام ابعادش می‌دانند، لذا تمام توان خود را برای تشریفات و کم‌اثر جلوه دادن تعلیمات آن به کار می‌بندند تا از رهگذر این مساعی مسلمانان به سیادت جهانی و جایگاه شایسته خویش در دنیا نایل نشوند (نک. خمینی، ج ۱۱، ۲۱۷-۲۱۵؛ قرآن از دیدگاه امام خمینی ۱۳۷۵: ۲۰۳؛ سید قطب ۱۴۲۵ الف: ج ۱، ۳۵۴؛ ج ۲، ۸۲۹؛ ج ۳، ۱۶۴۹ و ۱۴۲۵ ب: ۷-۶).

۱. چنانکه در تأیید کارکرد اجتماعی قرآن و ضرورت توجه به این بعد از آن، امام خمینی (ره) نسبت اجتماعیات قرآن را در مقایسه با عبادیات آن از نسبت صد به یک نیز بیش‌تر می‌داند (نک. قرآن از دیدگاه امام خمینی ۱۳۷۵: تبیان، دفتر ۱۳، ۳۶).

۲. برخی از مفسران از چنین امری به عنوان «جاهلیت فسق» یاد کرده‌اند. نک. : مازندرانی [بی‌تا]: ج ۷، ۸۵-۸۶

سخن آخر

با توجه به مطالب پیشگفته، با قاطعیت می‌توان گفت که جامعیت قرآن یکی از مهم‌ترین مبانی و اصول تفسیری سید قطب در فی‌ضلال‌القرآن است و او در جای‌جای این تفسیر و در دیگر آثار خویش به تبیین و تعلیل آن می‌پردازد و با ارائه استدلال‌های متنوع و مکرر، بر آن است مخاطبان خویش را قانع سازد که قرآن کتاب دیروز، امروز و فردای بشر است و باید با این نگاه به سوی قرآن رفت و به تعامل با آن پرداخت. البته گفتنی است که گرچه برنامه قرآن — بنا بر نظر سید قطب و دیگر اندیشمندان و متفکران مسلمان — از ویژگی «جامعیت» برخوردار است، و می‌تواند در هر عصر و نسلی پاسخگوی نیازهای متحول بشری باشد؛ درک و دریافت صحیح، کامل و استوار پاسخ‌ها و راه‌حل‌های قرآن از عهده هر مدعی علم و بصیرت بر نمی‌آید و صرفاً ژرف‌اندیشان و استواران در دانش و بینش واجد چنین توانایی هستند: ﴿... لَعَلَّمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ...﴾ (نساء: ۸۳) ﴿... وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...﴾ (آل عمران: ۷).

و قرآن گرچه مستجمع جمیع کمالات است (قرآن از دیدگاه امام خمینی ۱۳۷۰: ۲۰-۱۶)؛ صید این کمالات و بهره‌مندی از آنها با کوبیدن بابِ مدینه «علم و حکمت»^۱ ممکن و میسر است، همو که تا آخرین لحظات حیات خویش ندا سر می‌داد که از من بپرسید پیش از آن که مرا از دست بدهید، به خدا سوگند من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آگاه‌ترم؛ چه، من پیوسته ملازم پیامبر «ص» بوده‌ام و می‌دانم آیات قرآن در شب نازل شده‌اند یا در روز؛ در کوه نازل شده‌اند یا در بیابان؛ و می‌دانم برای چه امری و به چه مقصد و منظوری نازل شده است (ابن ابی شیبه ۱۴۰۹: ج ۶، ۲۲۷؛ ابن سلامه [بی‌تا]: ج ۲، ۱۰۴؛ ابن ابی الحدید ۱۳۷۸: ج ۱۳، ۱۰۱؛ زرندی ۱۳۷۷: ۱۲۶-۱۲۵؛ متقی ۱۴۰۹: ج ۲، ۵۶۶-۵۶۵). بر این اساس برخی از محققان و صاحب‌نظران با توجه به آیه «اکمال دین و اتمام النعمة» (مائده: ۳) و واقعه مشهور و متواتر مرتبط با آن، و با توجه به پاره‌ای از روایات که درک و دریافت بسیاری از مفاهیم و اشارات آیات قرآن را در انحصار

۱. نک. احمد بن الصدیق المغربي، فتح الملک العلی بصرحة حدیث باب مدینه العلم علی (ع) تحقیق: محمد هادی امینی. علی بن محمد العلوی، دفع الارتیاب عن حدیث الباب، و منابع بسیار دیگر.

معصومین «ع» می‌داند،^۱ جامعیت قرآن و آیین اسلام را در گرو فهم صحیح و کامل رهبران راستین دین و مفسران حقیقی قرآن می‌داند؛ چنان که عامل کمال دین اسلام و رضایت خداوند برای دین نامیدن آن را از یک سو، و یأس دشمنان از مقابله با آن را از دیگر سو، در گرو همین امر دانسته‌اند (نک. بهشتی ۱۳۷۶: ۶۷-۶۵؛ کریمی ۱۳۸۱: ۱۰-۶؛ هادوی ۱۳۷۷: ۱۱۵ و ۱۲۵-۱۲۳). بر این اساس، پیامبر اکرم علیه السلام که خود مفسر حقیقی قرآن است، برای دستگیری امت اسلام و برای بهره‌مندی کامل آنها از اندیشه‌ها و برنامه‌های سازنده قرآن، بر طبق حدیث قطعی و متواتر ثقلین (نک. ابن حنبل [بی تا]: ج ۳، ۱۴، ۱۷، ۲۶، ۵۹؛ دارمی [بی تا]: ج ۲، ۴۳۲؛ حاکم ۱۴۰۶: ج ۳، ۱۰۹، ۱۴۸ و...) اهل بیت خود را - که خداوند آنان را از هرگونه پلیدی دور می‌کند و لباس علم و حکمت بر تن جانشان می‌پوشاند و محبت و مودتشان را به منزله اجر رسالت، بر امت اسلام لازم می‌شمارد (احزاب: ۳۳؛ رعد: ۴۳، فرقان: ۵۷؛ سبأ: ۴۷ و شوری: ۲۳) - همدوش و ملازم قرآن معرفی می‌کند، و بازگشت امت به سوی آنها را برای دریافت تفسیر قرآن و احکام دین و هدایت‌های آن، ضروری می‌شمارد.

بدین سان، گرچه سید قطب به خلاف بسیاری از عالمان و مفسران گذشته و کنونی اهل سنت، به اندیشه جامعیت قرآن راه می‌یابد و در تبیین آن سعی وافری از خود نشان می‌دهد؛ بدون توجه به نکته پیشگفته؛ یعنی ملازمت و همگامی اهل‌البیت «ع» با قرآن، از این اندیشه صحیح نتیجه درخور و دلخواه به دست نخواهد آمد.

منابع و مأخذ

- ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد (۱۴۰۹)، المصنّف، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر.

۱. روایاتی چون: «إنما يعرف القرآن من خوطب به»، نک. کلینی ۱۳۷۸: ج ۸، ۳۱۲. «ما من شيء إلا و علمه في القرآن و لكن عقول الرجال تعجز عنه»، نک. ینابیع الموده لذوی القربی. «و ما من أمر یختلِف فیهِ أثنان إلا و له أصل في کتاب الله و لكن لا تبلغ عقول الرجال» نک. کلینی، ج ۱، ۶۰، ۷، ۱۵۸، ج ۱، ۲۶۸ و... از آن جمله‌اند. مقصود از «عقول رجال» در دو روایت فوق، افراد عادی و غیر معصوم نه همه انسان‌ها.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۱۸)، النهایة فی غریب الحدیث، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۰۴)، عیون اخبار الرضا، تصحیح شیخ حسین الاعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن حنبل، احمد [بی تا]، المسند، بیروت، دار صادر.
- ابن سلامه، محمد [بی تا]، دستور معالم الحکم، قم، مکتبه المفید.
- _____ (۱۳۶۵)، جواهر القرآن، از مترجمی ناشناخته، تصحیح حسین خدیو جم، تهران، اطلاعات.
- الگار، حامد (۱۳۷۶)، «گفتگو با حامد الگار استاد دانشگاه برکلی - امریکا»؛ کتاب نقد، س اول، ش ۲ و ۳.
- ایازی، سید محمد علی (۱۴۲۴)، «مبدأ شمولیة القرآن و إحاطته»، مجله الحیاة الطیبیة، س چهارم، ش ۱۳.
- _____ (۱۳۷۰ ب)، ختم نبوت، تهران، صدرا.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد [بی تا]، المحاسن، تحقیق: سید جلال الدین الحسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۴۲۵ ب)، فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشروق.
- بهشتی، احمد (۱۳۷۶)، «جامعیت و کمال دین»، کتاب نقد، س اول، ش ۲ و ۳.
- _____ (۱۳۷۸)، معالم فی الطریق، ترجمه محمود محمودی، تهران، نشر احسان.
- _____ (۱۳۷۰)، قرآن در اسلام، تصحیح: محمد باقر بهودی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸)، تفسیر الشعالبی (الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن)، تحقیق دکتر عبدالفتاح ابوسنه، شیخ علی محمد معوض و شیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارأحیاء التراث العربی.
- _____ (۱۳۸۱)، «جامعیت و کمال دین»، کتاب، س اول، ش ۶ و ۷.
- _____ (۱۴۲۵ ج)، مفاهیم ینغی أن تُصحَّح، قاهره، دارالشروق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن محمد (۱۴۰۶)، المستدرک، تحقیق: یوسف مرعشلی، بیروت، دارالمعرفة.
- حدادی، علی بن یحیی (۱۳۸۶)، صفحات مهمه من حیاة سید قطب، www.sahab.net فتواوی و ردود لمخالفات سید قطب.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی